

راهبردهای افزایش کارایی و اثربخشی اساتید در آموزش‌های مجازی

بی بی عشرت زمانی*، سید احمد مدنی^۱

گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Guidelines for Increasing the Efficiency and Effectiveness of Teachers in Virtual: Education

*Bibi Eshrat Zamani**, *Seyed Ahmad Madani¹*

Department of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Information and communication technology has changed life to a great extent in many different aspects. Accordingly, the traditional methods of teaching have also evolved and physical presence in the classroom is not as necessary as before. In the past, education benefitted solely from the presence of teachers, and books were the main source of information. Currently, with the emergence of new tools, methods, and learning environments, modern modes of education are forming. Of these methods is electronic learning in which the fundamental role of the teacher is usually neglected, and it is commonly assumed that in this method the teacher is not as important as the traditional education system. However, the learning quantity and quality and the effective and efficient use of different equipment depends on the teacher's amount of activity, attitude, and skills. This descriptive-analytic study presents a set of guidelines and techniques to enhance the teacher's efficiency and effectiveness and the learning quality of the students in electronic learning. The subjects covered in this study are as follows: Holmberg's distance learning theory, methods for increasing the student-teacher relationship, encouraging students to cooperate, pursuing students to learn actively, presenting quick feedback, emphasizing on work time, realizing the expectations of educational course, and respecting different learning styles and skills.

Key words

Distance learning, Electronic learning, Teacher, Learning style, Feedback, Active participation

چکیده

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی زندگی را در بسیاری از ابعاد آن دگرگون ساخته‌اند. از جمله این دگرگونی‌ها تغییر در شیوه‌های سنتی آموزش است به گونه‌ای که نیاز به حضور فیزیکی در کلاس درس کاهش یافته است. اگر چه تا دیروز، آموزش تنها از وجود مربیان و معلمان بهره می‌گرفت و کتاب به منزله اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی در آموزش محسوب می‌شد در حال حاضر وجود ابزارها، روش‌ها و محیط‌های جدید آموزشی، شیوه‌های جدیدی را به وجود آورده است. از جمله این شیوه‌ها «آموزش الکترونیکی» است که به طور معمول در آن به نقش بنیادین آموزش‌گر بی‌توجهی می‌شود و تصور بر این است که معلم در این نظام به اندازه آموزش سنتی اهمیت ندارد. این در حالی است که کمیّت و کیفیت یادگیری فراگیرندگان و استفاده اثربخش و کارآمد از تجهیزات و وسایل گوناگون، وابسته به میزان فعالیت آموزش‌گر و نگرش‌ها و مهارت‌های او است. این مقاله به روش اسنادی و به صورت تحلیلی - مقایسه‌ای به ارائه مجموعه‌ای از راهبردها و فنون کاربردی می‌پردازد که کاربست آنها در افزایش کارایی و اثربخشی معلم و بهبود کیفیت یادگیری فراگیرندگان در آموزش الکترونیکی نقش مهمی برعهده دارد. مباحث مورد بررسی عبارت از: نظریه آموزش از دور هلمبرگ، راه‌های افزایش ارتباط دانشجو و اساتید، تشویق دانشجویان به همکاری، ترغیب

دانشجویان به یادگیری فعال، ارائه بازخورد سریع، تاکید بر زمان کار، تفهیم انتظارات دوره آموزشی و احترام به استعدادها و سبک‌های گوناگون یادگیری می‌باشد.

واژگان کلیدی

آموزش از دور، آموزش الکترونیکی، آموزش گر، سبک یادگیری، بازخورد، مشارکت فعال

مقدمه

رواج آموزش الکترونیکی در نهادها یا نظام‌های آموزشی علت‌های متفاوتی دارد. از مهم‌ترین علل گرایش به این نوع آموزش را می‌توان امکان دسترسی غیرحضوری داوطلبان به مطالب درسی، رفع محدودیت‌های زمانی- مکانی و مشکلات مربوط به حضور اجباری در دانشگاه، دسترسی به موقع و سریع به حجم بالایی از اطلاعات و دانش موجود، کاهش برخی هزینه‌های آموزشی، تسهیل آموزش و یادگیری مادام العمر (life-long learning)، میسر نمودن کار و تحصیل توأمان برای افراد، امکان برقراری ارتباط با ادارات و منازل و آموزش وسیعی از مخاطبان دانست. از سوی دیگر به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه چالش‌هایی فراروی نظام‌های آموزشی قرار گرفته است که آموزش الکترونیکی را به‌عنوان گزینه‌ای مناسب مطرح می‌نماید. از جمله این چالش‌ها افزایش تعداد دانشجویان، افزایش مشارکت زنان، افزایش تنوع و تقاضا برای آموزش و کمبود فضا و تدارکات فرسوده و از تاریخ گذشته برای اداره نظام‌های آموزشی می‌باشد [۱].

برخی دلایل دیگر نیز در رواج آموزش الکترونیکی دخیل بوده‌اند. لزوم توانمندی در استفاده از اطلاعات یکی از این دلایل است؛ افراد جامعه در مشاغل و پست‌های گوناگون نیازمند مهارت‌ها و دانش جدید در زمینه کار خود می‌باشند. به عبارت دیگر، جامعه به افرادی نیاز دارد که بتوانند اطلاعات مورد نیاز خود را تشخیص دهند، به اطلاعات مورد نیاز دست یابند و آنها را پس از گزینش و ارزیابی به مجموعه دانش پایه خود اضافه نمایند. به‌علاوه، فراگیران در دوره‌های آموزش الکترونیکی می‌توانند با سرعت خاص خود به یادگیری بپردازند و در فرصت‌ها و اوقات مقتضی مطالعه کنند. امکان استفاده از چندرسانه‌ای‌ها (multimedia)، ساز و کارهای ارتباطی پیشرفته، سمینارها و آزمایشگاه‌های مجازی نیز از جمله مواردی است که می‌تواند فرصت‌های آموزشی مناسبی

در آموزش الکترونیکی ایجاد نماید [۲].

با وجود محاسن فراوانی که برای آموزش الکترونیکی قابل تصور است، ضعف‌ها و تهدیدهایی نیز در پرداختن به این شیوه وجود دارد. برای مثال، نیاز مخاطبان به سواد رایانه‌ای، آموزش به زبان غیربومی، مسأله صدور و اعتبار گواهینامه‌ها، لزوم وجود استانداردهای خاص برای ارزیابی یادگیری فراگیران و برنامه‌های آموزشی و نیاز به استفاده از ابزار و تجهیزات ویژه از جمله معایبی است که برای آموزش الکترونیکی قابل ذکر است [۳]. همچنین به نظر برخی از منتقدان یادگیری فرآیندی اجتماعی است و تعامل در مکان و زمان مشخص از مبانی اساسی تجربه آموزشی موفقیت‌آمیز است. نگرانی عمده منتقدان این است که آیا در آموزش الکترونیکی یادگیری عمیق مواد درسی مشکل با توجه به فقدان تعامل زمانی و مکانی مشخص رخ می‌دهد؟ و آیا آموزش الکترونیکی دارای کارآمدی کافی است و منجر به نرخ‌های بالاتر ترک تحصیل نمی‌شود؟

علی‌رغم اینکه نگرانی‌های فوق بجا است لیکن باید در نظر داشت که محیط‌های یادگیری (learning environment) در آموزش‌های الکترونیکی، دانشجوی محور، متعامل، پویا و برخوردار از قابلیت کار گروهی، به‌ویژه درباره مسائل جهان واقعی است. در این آموزش، یادگیری مستقل به این معنی که دانشجو خود فعالیت‌های یاددهی و یادگیری را انجام می‌دهد، وجود دارد. آنچه در این میان مورد غفلت قرار گرفته است نقش معلم، نگرش‌ها و مهارت‌های او در این زمینه است. بیشتر افراد آموزش الکترونیکی را به واسطه وابسته بودن آن به ارتباطات دیجیتالی متمایز کرده و به تدریج نقش معلم را فراموش می‌کنند [۴]. تحقیقات نیز معمولاً بر ارزیابی دانش و مهارت‌های فراگیران در پایان این دوره‌ها و یا برنامه‌های آموزشی متمرکز می‌شوند، در صورتی که نقش معلم یا آموزش‌گر حائز اهمیت فراوان است؛ اگر آموزش‌گران از دانش، مهارت و نگرش‌های مناسب در آموزش الکترونیکی برخوردار

۱) ارتباط دائم دانشجوی و اعضای هیأت علمی

تدریس در هر محیطی مستلزم چیزی بیش از فراهم نمودن محتوای درسی برای دانش‌آموزان/ دانشجویان است. تدریس مستلزم هدایت و راهنمایی دانشجو برای تحلیل، ترکیب و اعمال قضاوت ارزشی است. دستیابی به این مهارت‌ها نیازمند مقادیر بالایی از تعامل و کنش متقابل میان استاد و دانشجو است. آنچه ممکن است برای بسیاری تازگی داشته باشد این است که بیش از روابط درون کلاسی، روابط برون کلاسی (به دلیل افزایش انگیزش، تعهد و رشد شخصی دانشجو) در یادگیری او تأثیر واقعی و سازنده دارد. Wilson و همکاران معتقدند که روابط و مناسبات دانشجویان و اساتید در خارج از کلاس درس می‌تواند بخشی از تدریس باشد که آثار فراوانی برای دانشجویان دارد. اما آنچه درباره آموزش‌های الکترونیکی ناخوشایند است، کاهش ارتباط‌های چهره به چهره افراد است [۸]. تحقیقات بسیاری نشان داده که عواطف یا هیجان‌هایی وجود دارد که از طریق حالات صورت انتقال داده می‌شوند. ترس، تعجب، خشم، شادی، تنفر و غم از مهم‌ترین این عواطف است [۹]. این مطلب به منزله یک چالش، هنگام استفاده از اغلب ابزارهای ارتباط الکترونیکی وجود دارد. برای مثال، به‌هنگام استفاده از ابزارهای مبتنی بر متن (text-based tools) در نظام‌های یادگیری به شاخص‌های مهمی نظیر تاکید، هیجان، تغییر عواطف و آهنگ جمله توجه کافی نمی‌شود. از این‌رو، استفاده مناسب و صحیح از ارتباط‌های الکترونیکی همزمان (synchronous) و غیرهمزمان (asynchronous) در آموزش‌های الکترونیکی می‌تواند بسیاری از نگرانی‌های مذکور را برطرف کند و کیفیت آموزش و یادگیری را افزایش دهد. فناوری‌های ارتباط غیرهمزمان عبارتند از نامه الکترونیکی، تابلوهای اعلانات (bulletin boards)، صندوق صوتی، فاکس و خدمات پستی. فناوری‌های ارتباط همزمان نیز عبارتند از تالارهای گفتگو (chat rooms)، سمینارهای آنلاین زنده، کنفرانس‌های تلفنی و پیام‌های فوری (instant messaging) [۳]. Berge مزایای ارتباط‌های برخط و نابرخط را بررسی کرده است.

مزایا و قوت‌های ارتباط غیرهمزمان:

- انعطاف‌پذیر است به گونه‌ای که دانشجویان می‌توانند

باشند بسیاری از نگرانی‌ها در زمینه کیفیت یادگیری در این شیوه برطرف خواهد شد [۵]. مقاله حاضر به ارائه راهبردها و فوونی می‌پردازد که استفاده از آنها می‌تواند ضامن افزایش کیفیت و اثربخشی تدریس در آموزش الکترونیکی باشد.

راهبردهای آموزشی

تعلیم و تربیت در سطوح دانشگاهی دسترسی دانشجویان به یک مجموعه آموزشی که در بردارنده متخصصین، مواد آموزشی، تسهیلات، و دیگر فراگیرندگان است را ممکن می‌سازد. در این محیط، عمق یادگیری به واسطه تشریح مساعی و تسهیم عقاید با دیگران افزایش می‌یابد. لیکن محیط‌های یادگیری در آموزش الکترونیکی متفاوت است. جلوه بارز این امر نبود تماس فیزیکی و بازخورد بصری حاصل از زبان بدن (body language) است. از این‌رو باید در آموزش الکترونیکی فناوری‌های گوناگون را به شیوه‌ای به کارگرفت که دانشجویان در رسیدن به نتایج یادگیری موفق شوند. به عبارت دیگر علاوه بر تسلط نظری و تجربه کافی معلم در زمینه یا زمینه‌های علمی موجود، برخورداری وی از رفتارها، نگرش‌ها و مهارت‌های مطلوب در پرداختن به آموزش از اهمیت بسیاری برخوردار است. Bajjlay در این باره می‌گوید: «معلم برای دستیابی به بینش و نگرش صحیح و هماهنگ با شرایط آموزشی و فراگیران، باید یادگیری از دور را از نقطه نظر فراگیران دریابد. لذا، علاوه بر تخصص و تبحر در یک حیطه علمی، داشتن مهارت‌های ارتباطی و تسهیل‌کننده از اهمیت بسیاری برخوردار است» [۶]. مقاله حاضر مبتنی بر نظریه آموزش الکترونیکی Holmberg به تبیین و توضیح اصول مهم در آموزش الکترونیکی می‌پردازد. طبق نظریه هلمبرگ آموزش الکترونیکی مبتنی بر هفت اصل اساسی است: اول برقراری ارتباط دائم میان معلم و فراگیران؛ دوم اینکه ارتباطات مذکور باید از طریق مواد آموزشی مناسب و تعامل از طریق فناوری‌های ارتباطی حمایت شود؛ سوم اینکه انگیزش لازم برای مطالعه و تحقیق در راستای نیل به اهداف دوره ایجاد شود؛ چهارم ایجاد جو صمیمانه و مبتنی بر صداقت در بحث‌ها و گفتگوها؛ پنجمین اصل این اصل که ارتباط‌های دوستانه فهم و یادگیری را تسهیل می‌کند و عامل مهمی برای انگیزاندن فراگیرندگان است؛ ششمین اصل مربوط به استفاده صحیح و اثربخش از رسانه‌ها است و در نهایت، برنامه‌ریزی درسی برای هدایت و سازماندهی کل دوره به‌عنوان هفتمین اصل مطرح است [۷]. در ادامه بحث، اصل‌های مزبور تشریح و تبیین می‌شوند.

بیان شده‌اند و دانشجویان به‌درستی آنها را دریافته‌اند. زمان پاسخگویی، اوقاتی که استاد در دسترس نیست و سایر عوامل اثرگذار بر فرایند برقراری ارتباط مشخص شود.

۵. اگر از دانشجویی خبری نیست باید با او تماس گرفته شود.

۶. اطمینان یافتن از اینکه دانشجویان سبک نگارش نویسنده را در پیام‌ها می‌شناسند.

۷. اطمینان یافتن از اینکه دانشجویان طرق مختلف ارتباط با استاد را می‌دانند.

۸. اگر عذر موجهی در برقراری ارتباط وجود دارد می‌توان آن را از طریق یک یادداشت شخصی به اطلاع دانشجویان رسانید [۱۱].

اگر چه تکنیک‌هایی که ذکر شد دارای اهمیت بسیار است لیکن نباید فراموش شود که کوشش برای برقراری ملاقات‌های حضوری ارزش ویژه‌ای دارد. در مطالعه McKenzie درباره «راه‌های مؤثر برقراری ارتباط دانشجویان و اساتید در آموزش‌های الکترونیکی»، آموزشگران تماس رو در رو را در کنار به‌کارگیری سایر روش‌های ارتباطی مهم تلقی کردند. در این تحقیق ۹۶/۷٪ از اساتید مورد بررسی، ترتیب دادن جلسات دیدار حضوری با دانشجویان را بسیار مهم و ضروری می‌دانستند [۱۲]. به‌طور کلی از طریق این دیدارها معلم می‌تواند برخی کمبودهای ناشی از نبود ارتباط چهره به چهره میان خود و فراگیران را جبران کند.

۲) افزایش همکاری و همیاری میان دانشجویان

یادگیری به صورت مشارکتی و همکاری به دانشجویان فرصت سنجش میزان درک و فهم‌شان از موضوع درسی را در مقایسه با هم‌قطاران می‌دهد. در خلال این فرایند، دانش ماهیتی اجتماعی پیدا می‌کند و به کل گروه تعلق دارد. فعالیت یادگیری گروهی در آموزش الکترونیکی چالش‌های خاص خود را دارد، ما نمی‌توانیم بپذیریم که دانشجویان شیوه کار گروهی در آموزش از دور را مانند فعالیت گروهی در آموزش سنتی می‌دانند. دانشجویان باید چگونگی کار کردن به‌صورت گروهی در آموزش الکترونیکی را بدانند، بدین‌منظور باید دستور العمل‌ها و رهنمودهایی برای

در هر زمانی به مواد درسی دوره تحصیلی دسترسی داشته باشند.

• به دانشجو زمان لازم برای تأمل و تفکر و یادآوری داده می‌شود.

• با یک رویکرد یادگیری مشخص (که به موجب آن دانشجویان می‌توانند زمینه‌های مورد بحث را با محیط کار خود مرتبط کنند) هماهنگ و سازگار می‌شود.

• فناوری‌های همزمان هزینه- اثربخش هستند.

مزایا و قوت‌های ارتباط همزمان:

• انگیزه بیشتری ایجاد نموده و لذا بهتر می‌توان بر انرژی گروه تمرکز کرد.

• تعامل در زمان واقعی، در ایجاد احساس شخصیت اجتماعی و انسجام گروهی کمک می‌کند.

• نظام‌های همزمان امکان دریافت بازخورد سریع در زمینه عقاید را فراهم کرده و در رسیدن به توافق جمعی و تصمیم‌گیری آثار مثبتی بر جای می‌گذارند.

• رخدادهای همزمان افراد را تشویق و ترغیب به انجام به موقع تکالیف محوله می‌کند و در ایجاد نظم و انضباط در انجام امور مؤثر است [۱۰].

آنچه درباره وسایل ارتباطی (همزمان و غیر همزمان) مهم است به کارگیری صحیح آنها در زمان و موقعیت مناسب است. برای مثال، در استفاده از پست الکترونیکی باید توجه کرد که هیچ نامه‌ای از سوی فراگیران نباید بدون پاسخ بماند، اصطلاحات معلم برای دانشجویان تعریف شده باشد، پاسخ‌دهی به یادگیرندگان باید با سرعت بالا صورت گیرد، پاسخ‌ها همیشه متنی نباشد و در کنار استفاده از پست الکترونیک از سایر ابزارهای ارتباطی استفاده شود [۳]. به‌طور کلی در آموزش‌های الکترونیکی اساتید می‌توانند با به‌کارگیری فنون زیر ارتباط مؤثر و کارآمد خود با دانشجویان را افزایش دهند:

۱. دانشجویان را به برقراری ارتباط بیشتر تشویق کنند.

۲. اگر دانشجویان در محل حضور دارند آنها را به برقراری جلسه‌های ملاقات چهره به چهره سوق دهند.

۳. ارزش‌ها، نگرش‌ها و تجارب خود را با دانشجویان تسهیم (share) کنند.

۴. مطمئن شوند که خط‌مشی‌های ارتباطی به‌طور واضح

- در پروژه‌های گروهی را می‌دانند. در ابتدای پروژه نقش‌های هر فرد باید مشخص شود و نقش‌ها به صورت دوره‌ای و چرخشی درآید.
۳. شاخص‌هایی (milestones) برای پروژه در نظر گرفته شود تا دانشجویان بتوانند راهی برای ارزیابی پیشرفت شخصی خود داشته باشند.
 ۴. نمونه‌هایی از پروژه‌های خوب، بد و متوسط برای دانشجویان ارائه شود.
 ۵. اطمینان یافتن از اینکه دانشجویان ابزارهای الکترونیکی لازم برای اتمام پروژه را می‌شناسند.
 ۶. اعضا باید در گروه‌های کوچک (۳-۵ نفر) قرار گیرند.
 ۷. تنها یک پروژه اصلی به صورت گروهی برای هر ترم در نظر گرفته شود.
 ۸. مشارکت در گروه‌های بحث و گفتگو ضروری است، از این رو مبنای مشارکت مناسب تعریف شود.
 ۹. برای بحث‌ها و گفتگوها محوری در نظر گرفته شود.
 ۱۰. نمونه‌های مشارکت خوب، بد و متوسط نشان داده شود.
 ۱۱. برای حفظ کیفیت مقداری از مذاکرات به طور تصادفی ارزیابی شود [۱۳].

باید توجه داشت که شاخص‌ها یا نشان‌گرهای پروژه‌ها به سبکی کیفی تدوین شوند، اگر چه وجود برخی شاخص‌های کمی اجتناب‌ناپذیر است. منظور از سبک کیفی این است که ضرورت قطعی برای رعایت کلیه شاخص‌ها وجود نداشته باشد و گاه آموزش‌گر در ارزشیابی نهایی از یک پروژه، سهم و وزن برخی نقاط قوت را بیشتر در نظر بگیرد. بدین ترتیب، خلاقیت و تنوع در طراحی و تکمیل پروژه‌ها تضمین می‌شود.

۳) ارتقای یادگیری فعال

یادگیری فعال به سادگی می‌تواند به عنوان «هر نوع یادگیری که در آن دانشجویان کاری را انجام می‌دهند و درباره کاری که انجام می‌دهند، فکر می‌کنند» تعریف شود. به عبارت دیگر یادگیری فعال عبارت است از انجام کار توسط فراگیر؛ با توجه به این نکته که ذهن انسان تمایل دارد اطلاعاتی را جستجو کند که به موقعیت فردی مرتبط است. نمونه‌هایی از یادگیری فعال در آموزش عالی در بر گیرنده چهار مقوله بحث (discussing)، چالش

مشارکت گروهی اثربخش در اختیار داشته باشند. مسأله دیگر ارزشیابی تولیدات گروه است. معیارها و ملاک‌های ارزشیابی باید مانند کلاس‌های سنتی تعیین و تعریف شوند. در این زمینه می‌توان برای دانشجویان یک نمره گروهی و یک نمره فردی در نظر گرفت. همچنین برخی الزام‌های اخلاقی باید تشریح شود. مثلاً عدم رتبه‌بندی یا نمره‌دهی یکسان در ارزشیابی اعضای گروه از جمله این موارد است. بررسی ۱۳۷ تحقیق انجام شده در زمینه به‌کارگیری گروه‌های یادگیری همکارانه در افزایش بهره‌وری، توسعه روابط و مناسبات میان‌فردی، افزایش حمایت اجتماعی و بالا بردن عزت نفس نشان داد که یادگیری همکارانه را می‌توان به واسطه پنج عنصر تبیین کرد:

- وابستگی متقابل و سازنده
- تعامل رو در رو
- مسوولیت فردی
- مهارت‌های کلامی
- پردازش گروهی [۳].

برای تقویت این عناصر در آموزش الکترونیکی می‌توان از فناوری‌هایی نظیر شبیه‌سازی‌ها، بازی‌ها، اتاق‌های گفتگو، پروژه‌های گروهی، تبادل نظر، تولیدات گروهی و مناظره استفاده کرد. به واسطه همکاری با دیگران، دانشجویان قادر می‌شوند آموخته‌های خود را به شیوه‌های بهتر و مؤثرتر به موقعیت‌های شخصی خود انتقال دهند. در اینجا استفاده از ارتباط‌های همزمان و غیرهمزمان افزایش کیفیت مبادلات را ممکن می‌سازد. به خصوص ارتباط‌های غیرهمزمان برای دانشجویانی که در کلاس‌های درس سنتی کم‌حرف و خوددار هستند، راه‌گشا است. در این ارتباط‌ها علی‌رغم اینکه دانشجویان در موقعیت بحث قرار نمی‌گیرند، زمان لازم برای تفکر و بر روی کاغذ آوردن اندیشه‌های خود را دارند. اساتید در دوره‌های آموزش الکترونیکی می‌توانند از طریق به‌کارگیری برخی از تکنیک‌ها به افزایش همکاری میان دانشجویان کمک نمایند:

۱. طرح پروژه‌های همکاری گروهی که نیازمند درون‌داد از هر یک از اعضای گروه و تکرار شدنی (recursive) است، به این معنی که پروژه برای تکمیل شدن، نیازمند همکاری‌های متعدد و متنوع می‌باشد.
۲. حصول اطمینان از اینکه دانشجویان چگونگی کار

(challenging)، تحلیل و حل مسأله است [۳].

یادگیری فعال در آموزش الکترونیکی یک پیشنهاد نیست بلکه یک ضرورت است. در حقیقت مشارکت دانشجویان در بستگی به حضور فعال او دارد. مثلاً اگر دانشجویان در دوره تحصیلی برخط، نوشته‌ای را برای بحث ارسال نکنند معلم معیاری برای درک حضور آنها ندارد. در دوره‌های برخط (به عنوان نسل چهارم شیوه‌های آموزش از دور) دانشجویان باید به صورت فعال اطلاعات مرتبط با رشته تحصیلی خود را جستجو کرده و به بحث بگذارند. در آموزش الکترونیکی دانشجویان به عنوان معنی‌سازانی (meaning makers) نگریده می‌شوند که به صورت فعال اطلاعات موجود را انتخاب، سازماندهی و با تجارب خود پیوند می‌دهند. اطلاعات در عصر دانش و عصر شبکه‌های اطلاعاتی متغیر و بی‌ثبات هستند به این معنی که ارزش دانستن همه چیز درباره یک موضوع خاص پایین می‌آید، لذا مهارت ضروری برای دانشجویان «یادگیری چگونگی یادگیری» و شرکت فعال در فرایند یادگیری به جای دریافت منفعلانه دانش می‌باشد. هرگونه یادگیری مستلزم انتقال اطلاعات از یک پایه معرفتی به پایه دیگر، همراه با خلق ارتباط‌های درونی جدید میان آنچه هم اکنون شناخته شده است و آنچه تا به حال شناخته نشده می‌باشد. در این حال «انجام دادن» کمک می‌کند که دانش جدید از حافظه کوتاه مدت به حافظه بلندمدت انتقال یابد [۱۴]. دانشجویانی که برای جذب، فهم و درک مفاهیم جدید کار می‌کنند به احتمال زیادتری به سطح یادگیری عمیق و پایدار دست می‌یابند زیرا «عمل» یا «انجام» به مثابه یک سنجش تکوینی عمل می‌کند که در آن یادگیرنده در مواجهه با دشواری‌ها، خود را به خرده مهارت‌های لازم تجهیز می‌کند [۳، ۱۵]. یکی از روش‌های مناسب برای افزایش یادگیری فعال دانشجویان استفاده از رویکردهای مطالعه موردی و یادگیری مسأله‌محور است. این دو نوع یادگیری دانشجویان را غرق در نمونه‌هایی می‌کند که در فهم، درک و یکپارچه‌سازی مفاهیم بسیار مؤثر است. آموزش الکترونیکی با اتکاء به نمونه‌های تجارب واقعی موجب رشد یادگیری و انتقال آن به موارد مهم‌تر می‌شود. مسائل و نمونه‌های موردی را می‌توان به طرق مختلف ارائه نمود. فیلم‌های ویدیویی، بازی‌های نرم‌افزاری،

مقالات و نوشته‌ها از جمله این شیوه‌ها محسوب می‌شوند. برخی از فنون که می‌توان در این زمینه مورد استفاده قرار داد عبارتند از:

۱. از دانشجویان خواسته شود تبیین‌ها، دلایل و استدلال‌هایی که نشانگر درک عمیق آنها است را نوشته و ارسال کنند. پیام‌ها باید با لحن و بیان خودشان تنظیم شوند.
 ۲. از چرخه‌های سؤال - پاسخ - بحث استفاده شود.
 ۳. یادگیرندگان به ارائه پاسخ‌های مستدل تشویق شوند.
 ۴. از دانشجویان پاسخ‌هایی خواسته شود که نیازمند تلفیق، ترکیب و نتیجه‌گیری از قطعات پراکنده دانش باشد.
 ۵. برای دانشجویان پروژه‌ها و تکالیفی از مسائل جهان واقعی در نظر گرفته شود تا آنها (پروژه‌ها و تکالیف) را به آموخته‌ها و افکار خود پیوند دهند [۱۶].
- نکته پایانی این قسمت در ارتباط با شیوه ارائه تکالیف در دوره‌های آموزش الکترونیکی است که نقش مهمی در ارتقای یادگیری فعال دارد. Larid خط‌مشی‌های ارائه تکالیف در آموزش الکترونیکی را مورد بحث قرار داده است. به نظر وی تکالیف محوله باید بر تلفیق و ترکیب موضوعات علمی با تجارب دانشجو متمرکز شود، به جای اینکه برگردان محتوای ارائه شده در شکل مکتوب باشد. به عبارت دیگر هر برنامه تکلیفی باید حداقل دارای یک بعد تجربی باشد. کار کردن در محیط اینترنت نیز یکی از ملزومات اساسی یادگیری است که باید با فعالیت‌ها ترکیب شود؛ به بیان دیگر، هر تکالیف باید حداقل مستلزم یک جستجو در اینترنت باشد. همچنین بسیار خوب است که یادگیرندگان در هر دوره ملزم به شرکت در یک تکالیف تحقیقی بشوند [۱۷].

۴) ارائه بازخورد فوری

کجا بودم؟ کجا هستیم؟ و کجا می‌روم؟ اینها سوال‌هایی هستند که دانشجویان باید در خلال یک دوره تحصیلی به پاسخ آنها دست پیدا کنند [۱۸]. چه در آموزش سنتی و چه در آموزش الکترونیکی دانشجویان باید به‌طور پیوسته میزان درک خود از محتوای دوره تحصیلی و میزان برآوردن انتظارات آن را بررسی کنند. این امر با ارائه بازخورد از

طرف آموزش‌گر تسهیل می‌شود. بدون وجود تصویر روشن از پیشرفت تحصیلی دانشجویان نگران می‌شوند و ممکن است مسیر خود را گم کنند به‌خصوص در آموزش الکترونیکی که احساس تنهایی و دور افتادگی وجود دارد. Chickering & Gamson در یافته‌ها استفاده از بازخوردهای فوری در دوره‌های تحصیلی آموزش الکترونیکی ارتباط مستقیمی با پیشرفت و رضایت دانشجو دارد [۱۹]. البته نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که بازخورد با تأخیر (delayed feed back) نتایج بهتری از بازخورد فوری به‌وجود می‌آورد، لیکن ارائه بازخورد فوری در آموزش الکترونیکی از این رو توصیه می‌شود که دانشجویان را فعال و درگیر در یادگیری می‌کند و تا حدی از دورافتادگی و اثرات ناشی از آن می‌کاهد. به غیر از فوریت، بازخورد باید متناسب باشد. به بیان دیگر، دانشجویان باید از نوع، میزان و کیفیت دانسته‌های خود آگاه شوند [۲۰]. به نظر Anderson و Bauer از آنجایی که معلم پیش از ارائه بازخورد به ارزیابی فعالیت‌های دانشجو می‌پردازد به‌کارگیری معیارهایی برای ارزیابی لازم است. ایشان از حجم فعالیت‌های دانشجو، محتوای مطالب ارسالی و شیوه بیان او به عنوان معیارهای ارزیابی یاد می‌کنند. نکته مهم این است که دانشجویان در ابتدای دوره باید نحوه ارزیابی از کارشان را بدانند (مثلاً اهمیت مشارکت، ارائه مقالات و نوشته‌ها، شرکت در بحث‌ها و غیره). استفاده از کارپوشه‌های دیجیتالی (digital portfolios) نیز برای ارزیابی کار دانشجویان توصیه می‌شود. کارپوشه حاوی کلیه فعالیت‌هایی است که دانشجو در طی دوره تحصیلی انجام داده است. دانشجویان باید از وجود کارپوشه آگاه باشند زیرا آنها را در طی دوره فعال نگاه می‌دارد [۲۱]. Wiedmer برای ارزیابی کارپوشه سه رویکرد را پیشنهاد می‌کند:

- ارزشیابی تحلیلی، که با توجه به هر بخش از کارپوشه که در آن مقیاسی برای رتبه‌بندی وجود دارد انجام می‌شود.
 - ارزشیابی کلی، که قضاوت مبتنی بر یک برداشت کلی درباره کارپوشه است.
 - سنجش موفقیت‌های دانشجو با تأکید بر یک یا چند حیطة اصلی [۲۲].
- در اینجا برخی از فنون که می‌توان از آنها برای ارائه بازخورد

سریع، مؤثر و متناسب استفاده نمود، معرفی می‌شود. این‌ها فنون عام ارائه بازخورد می‌باشند. از این رو رعایت آنها در شیوه‌های آموزشی سنتی نیز مؤثر و مفید است:

۱. انجام یک ارزیابی اولیه با هدف افزایش آگاهی دانشجویان از پایه شناختی و پیش‌پندهای خود.
 ۲. ارائه بازخوردهای اطلاعاتی به دانشجویان. این بازخوردها علاوه بر انعکاس کیفیت عملکرد دانشجویان، اطلاعات مفید و کاربردی در اختیار آنان قرار می‌دهد.
 ۳. ارائه بازخوردهای ارزشیابانه به دانشجویان. این بازخوردها را می‌توان از طریق خلاصه کردن مباحث و نتیجه‌گیری از آنها در یک دوره زمانی، مثلاً پس از دو هفته ارائه داد.
 ۴. الزام دانشجویان به ارائه بازخورد به یکدیگر. البته این کار از طریق رتبه‌بندی بهتر انجام می‌شود.
 ۵. ارزیابی مباحث به‌طور تصادفی و پیش‌بینی نشده در نیم سال تحصیلی [۲۳].
- باید توجه داشت که در آموزش الکترونیکی نوعی نظام رهبری مورد نیاز است که یادگیری را در لحظات بحرانی تقویت کند و چشم‌اندازهای متنوعی فراروی دانشجویان قرار دهد. در این نظام بازخورد ابزار (کارکرد) اصلی رهبری محسوب می‌شود.

۵) تأکید بر زمان انجام کار

در کلاس‌های سنتی زمان انجام تکالیف قابل کنترل است زیرا هنجارهایی درباره میزان زمانی که انتظار می‌رود دانشجو در کلاس صرف کند، وجود دارد. اما در کلاس‌های برخط از آنجایی که این هنجارها وجود ندارد، تمایل و گرایش شدیدی به افزایش محتوا به‌وجود می‌آید تا شاید از این طریق یادگیری دانشجو تضمین شود. بدین منظور باید اهمیت انجام تکلیف در زمان مورد نظر برای دانشجویان مشخص شود [۳]. استفاده از راهکارهای زیر می‌تواند در تحقق این امر مفید باشد:

۱. موعدهای خاصی مشخص شود که طبق آن دانشجویان به صورت منظم مشارکت کنند.
۲. برای پروژه‌ها معیارهایی فرآیندی در نظر گرفته شود.
۳. بر کار منظم، کارکرد پایدار و برنامه‌بندی تأکید شود.

چرا مجبور به انجام کاری هستند و این کار چه تأثیری بر کسب و کار، نوآوری و موفقیت فعالیت‌های‌شان دارد [۲۶]. بنابراین باید به دانشجویان کمک کرد تا ارزش وقت گذاشتن برای برنامه را درک کنند تا بدین طریق انگیزه آنها برای یادگیری افزایش یابد.

۷) احترام به استعدادها و سبک‌های مختلف یادگیری

دانشجویان دارای استعدادهای مختلف، سبک‌های متفاوت یادگیری، زمینه‌های آموزشی و فرهنگی متفاوت، انتظارات و نگرش‌های گوناگون می‌باشند. واقعیت این است که خلق محیط یادگیری ایده‌آل که انتظارات همه دانشجویان را برآورده سازد غیر ممکن است لیکن ما می‌توانیم با آگاه کردن دانشجویان از سبک‌های یادگیری خاص خودشان، شانس آنها را برای موفقیت افزایش داده و زمینه تبدیل آنها به یادگیرندگان مادام‌العمر را فراهم کنیم.

توجه به سبک‌های مختلف یادگیری لزوماً به این معنی نیست که هر درس یا واحد یادگیری باید به طرق مختلف ارائه شود، بلکه عملکرد ما باید به گونه‌ای باشد که دانشجویان ملزم به تجربه دیگر سبک‌های یادگیری شده و مهارت‌های اضافی کسب کنند. از آنجایی که معمولاً در آموزش الکترونیکی دانشجو می‌تواند جریان دریافت اطلاعات را کنترل نماید، تقسیم واحدهای مطالعاتی به بخش‌های کوچک‌تر، فرصت‌های بسیاری به دانشجویان می‌دهد تا درباره آنچه دریافت می‌کنند به تفکر و تأمل بپردازند [۲۷]. در اینجا راه‌هایی برای توجه و احترام به استعدادهای ذکر می‌شود:

۱. اجازه داده شود دانشجویان موضوعی را به عنوان پروژه انتخاب کنند.
 ۲. درباره زمینه‌های مورد علاقه دانشجویان تحقیق شود.
 ۳. دانشجویان به ارائه نظرات موافق و مخالف تشویق شوند.
 ۴. تجاربی برای یادگیری انتخاب شود که سرشار از نمونه‌های مختلف زندگی واقعی باشد.
 ۵. دانشجویان دارای زمینه‌های مختلف به همکاری در کار بر روی پروژه‌ها تشویق شوند.
- لازمه به کارگیری فنون مذکور، تشخیص استراتژی‌های یادگیری فراگیران است. استراتژی‌های یادگیری به چهار

۴. موعد مقرر کارها، به‌جای یک یا دو نقطه زمانی خاص، در کل نیم‌سال تحصیلی تقسیم شود [۲۴].
۵. افت تحصیلی در آموزش الکترونیکی بسیار شایع است بنابراین اگر از دانشجویی خبر نشد، حتماً پیگیری شود. برخی متخصصان آموزش الکترونیکی با عنایت به مخاطبان خاص این نوع آموزش‌ها، پیشنهاد می‌کنند که در ابتدای دوره آموزشی، آموزش‌گر از دانشجویان بخواهد یک تاریخچه شخصی و نیز یک شرح حال از وضعیت شغلی و خانوادگی خود تهیه و آن را برای آموزش‌گر بفرستند. فایده این عمل این است که آموزش‌گر می‌تواند در رابطه با زمان انجام تکالیف انعطاف بیشتری از خویش نشان دهد و در عین حال به وضعیت شخصی هر فرد توجه بیشتری داشته باشد.

۶) تفهیم انتظارات دوره آموزشی

دانشجویان وقتی در دوره تحصیلی با جدیت و کوشش فراوان به یادگیری می‌پردازند، معمولاً رتبه بالاتری را به‌دست می‌آورند. بسیاری از دانشجویان در آموزش الکترونیکی تصور می‌کنند که شرایط و استانداردهای دوره در سطح پایینی است و برآوردن انتظارات آسان است. چنین نگرش‌هایی باید در ابتدای دوره با جدیت تصحیح شوند در غیر این صورت عملکرد دانشجو را در کل دوره تحت تأثیر قرار می‌دهند. تعریف و تعیین استانداردهای مشارکت دانشجو و معیارهای ارزیابی در تفهیم انتظارات دوره به دانشجویان آثار مثبتی بر جای می‌گذارد. عمل به نکات زیر می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد:

۱. استاد به دانشجویان بفهماند که از نظر ذهنی درگیر فعالیت‌های آنها است.
۲. انتظارات آموزشی در صفحه وب سایت دانشگاه به‌وضوح بیان شود.
۳. عملکرد عالی افراد باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.
۴. بازخوردهایی برای کل کلاس ارائه شود.
۵. ارزیابی عملکرد باید بیشتر مبتنی بر کیفیت آن انجام گیرد [۲۵].

باید در نظر داشت که در آموزش الکترونیکی و به‌خصوص آموزش برخط، بیشتر دغدغه فراگیران درباره میزان توانمندی‌هایشان در پایان دوره است. آنها می‌خواهند بدانند

دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول «تجربه واقعی» است که بر تجربه فرد و احساسات او در موقعیت یادگیری تأکید می‌کند. افرادی که از این راهبرد استفاده می‌کنند قابل انطباق با شرایط و تغییرات هستند و وقتی با مسایل مواجه می‌شوند دارای فکری باز هستند. دسته دوم «مفهوم سازی انتزاعی» است که در آن رویکرد فراگیر تحلیل منطقی ایده‌ها و برنامه‌ریزی نظام‌مند در انجام وظایف محوله می‌باشد. افراد در این استراتژی تمایل دارند تا وقتی که دریافت روشنی از وضعیت و موقعیت یادگیری پیدا نکرده‌اند، تصمیم‌گیری نکنند. دسته سوم استراتژی‌ها «مشاهده منطقی» است که در آن یادگیرنده به شدت بر اندیشه‌ها، افکار و احساسات شخصی اعتماد می‌کند در حالی که تأکید ویژه‌ای بر بی‌طرفی، قضاوت دقیق و توانایی درک ایده‌ها از چشم اندازه‌های مختلف دارد. آخرین استراتژی «آزمایش فعال» نام دارد. شخص صاحب این استراتژی مقادیر بالایی از زمان و انرژی را صرف تغییر مقتضیات مساله و یادگیری آن می‌کند [۲۸]. لازم به ذکر است که شناخت سبک‌های گوناگون یادگیری مستلزم تعامل زیاد معلم و فراگیران است. پس از شناخت سبک‌های یادگیری دانشجو، معلم می‌تواند به شیوه مقتضی به آموزش پرداخته، تکالیف مناسب طرح کند و به دانشجو، سبک‌های مشابه تکالیف گروهی واگذار کند. افزون بر این، آموزش‌گر باید در رابطه با نوع و ماهیت تکالیف نیز رویکرد خویش به یادگیری را روشن کند. در یک طبقه‌بندی کلی، رویکردها به یادگیری را به دو گروه عمیق و سطحی تقسیم می‌کنند. رویکرد عمیق به یادگیری، پیوند محکمی با «قصد فهمیدن» دارد. اینکه مفاهیم و موضوعات فهمیده شوند و به تجارب موجود افراد پیوند بخورند. در اینجا هدف کسب حداکثر فهم از مطالعات می‌باشد [۲۹]. مشخصات اصلی این رویکرد به قرار زیر است:

۱. دانشجو قصد فهمیدن دارد.
۲. دانشجو به تکالیف رسیدگی می‌کند.
۳. بر «آنچه که اهمیت دارد» تمرکز می‌کند (مانند ادعای اصلی نویسنده و یا مفاهیمی که در حل مساله قابلیت کاربرد دارند).
۴. دانش قبلی را به دانش جدید پیوند می‌دهد.
۵. ابعاد نظری را به تجارب روزانه پیوند می‌دهد.

۶. محتوا را به یک کار منسجم سازماندهی می‌کند [۲۹]. اما آموزش‌گر چگونه می‌تواند رویکرد عمیق به یادگیری داشته باشد؟ انجام فعالیت‌هایی نظیر موارد زیر می‌تواند در این زمینه موثر باشد:

۱. روش‌هایی برای تدریس و ارزشیابی انتخاب کند که درگیری فعال و بلندمدت به تکالیف یادگیری را در پی داشته باشند.
۲. نوعی تدریس از خود نشان دهد که حکایت‌گر تعهد شخصی وی به موضوع باشد و به ضرورت و مناسبت آن برای دانشجویان تأکید کند.
۳. انتظارات آکادمیک را به وضوح بیان کند.
۴. به دانشجویان فرصت لازم برای انتخاب روش و محتوای مطالعاتشان را بدهد [۳۰].

در مقابل رویکرد عمیق، رویکرد سطحی قرار دارد. شناخت این رویکرد به خصوص در شیوه الکترونیکی می‌تواند آموزش‌گر را از کاربرد روش‌ها و فنون اشتباه مصون نگه دارد. رویکرد سطحی به یادگیری پیوند زیادی با «قصد تمام کردن تکلیف» دارد. مهم، به یاد داشتن اطلاعات و حقایق است. تمایز نهادن میان ایده‌های جدید و دانش موجود مورد توجه نیست. دانشجویان وانمود می‌کنند که به طور جدی درگیر یادگیری هستند و فقط می‌خواهند تکلیف تمام شود. مشخصات اصلی این رویکرد به قرار زیر است:

۱. تمرکز بر نشانه‌ها (مانند تمرکز صرف بر کلمات و جملات متن، یا کاربرد بدون فکر فرمول‌ها برای حل مساله)،
۲. تمرکز بر بخش‌های غیر مرتبط تکالیف،
۳. به یاد سپردن اطلاعات برای ارزشیابی‌ها،
۴. تداعی بدون فکر مفاهیم و حقایق،
۵. ناتوانی در تمیز اصول از مثال‌ها،
۶. تکلیف را به عنوان یک اجبار بیرونی نگرستن [۳۱].

در اینجا تأکید بیرونی وجود دارد. دانشجو برخلاف رویکرد عمیق قصد دارد به انتظارات بیرونی پاسخ دهد. فقط پاسخگویی به الزامات ارزشیابی مد نظر است. به‌طور کلی، برخی عوامل باعث ایجاد رویکرد سطحی به یادگیری می‌شوند و آموزش‌گر باید حتی‌الامکان از آنها پرهیز کند. ارزشیابی بر اساس یافتن و یا به یادآوری دانش سطحی، بدبینی یا برداشت‌های متناقض نسبت به پاداش‌ها، حجم

تسهیل‌کننده از اهمیت بسیاری برخوردار است.

برای بالا بردن کیفیت در نظام‌های آموزش از دور، افزایش ارتباط دانشجویان و اساتید، همکاری و همیاری میان دانشجویان، ارائه بازخورد فوری، تاکید بر زمان انجام کار، تفهیم انتظارات دوره آموزشی و احترام به سبک‌ها و استعداد‌های مختلف یادگیری ضرورت دارد. آرمان‌های تربیتی «یادگیری فعال» و «مشارکت فعال» نیز به‌عنوان پنداره‌های اصلی مورد توافق دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی، مدیریت و تدریس در نظام‌های آموزش الکترونیکی از مواردی است که باید همیشه در تصمیم‌گیری‌ها مورد توجه قرار گیرد و به‌عنوان اصول راهنما مورد استناد قرار گیرد. یادگیری و مشارکت فعال به فراگیران کمک می‌کند تا به‌واسطه تعیین اهداف مشترک، تحقیق و جستجوی مشترک، تلاش برای یادگیری و تصمیم‌گیری مشارکتی به سطوح عمیق‌تری از دانش و آگاهی دست یابند و علاوه بر آن بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را تحصیل نمایند. تحقق این پنداره‌ها - یادگیری فعال و مشارکت فعال - در آموزش الکترونیکی مستلزم آگاهی از استراتژی‌های یادگیری و رویکردهای یادگیری است. در آموزش الکترونیکی آگاهی از استراتژی‌های یادگیری، بیش از هر کسی به فراگیر کمک می‌کند تا سبک یادگیری خاص خویش را تشخیص دهد. آگاهی از رویکردهای یادگیری - عمیق و سطحی - اما بیش از هر کسی به آموزش‌گر کمک می‌کند. آموزش‌گر باید در ارائه تکالیف، کاربرد نشانه‌ها و شیوه ارزشیابی خود به گونه‌ای عمل کند که فراگیران جدیت فرایند یادگیری را حس نمایند و به سمت سطوح بالای شناختی حرکت کنند.

بیش از حد مواد برنامه درسی، عدم بازخورد یا بازخورد ضعیف در زمینه پیشرفت و عدم استقلال در مطالعه از مهم‌ترین موارد می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

چالش اصلی دست‌اندرکاران نظام‌های آموزش الکترونیکی فراهم کردن محیط‌های یادگیری قدرتمند برای دانشجویان است. هدف محیط‌های یادگیری قدرتمند، توسعه مهارت‌های پیچیده و سطح بالا، فهم عمیق مفاهیم و مهارت‌های فراشناختی نظیر توانایی نظارت بر یادگیری خود است. مشخصات چنین محیط‌هایی را می‌توان در سه دسته اصلی خلاصه نمود:

۱. استفاده از مسایل واقع‌گرایانه و چالش‌برانگیز به گونه‌ای که فراگیر پس از اتمام دوره به دانش و مهارت‌های مطلوب دست یابد.
۲. تشویق دانشجویان به مدیریت فرایند یادگیری و پذیرش مسئولیت‌های بیشتر در قبال فعالیت‌های یادگیری خود و
۳. به‌کارگیری روش‌هایی که نیازمند تعامل، همکاری و تشریک مساعی دانشجویان در انجام دادن وظایف محوله می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین عوامل در دستیابی به چنین محیطی وجود آموزش‌گر کاردانی است که دارای دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای هدایت دانشجویان باشد. آموزش‌گر باید برای دستیابی به بینش و نگرش صحیح و هماهنگ با شرایط آموزشی و فراگیران، یادگیری از دور را از نقطه‌نظر فراگیران دریابد. لذا علاوه بر تخصص و تبخّر در یک حیطه علمی، داشتن مهارت‌های ارتباطی میان فردی و

References:

1. Mupinga D.M. Distance Education in High Schools: Benefits, Challenges, and Suggestions. The Clearing House. 2005; 78(3):105-108.
2. Guri-Rosenblit S. Distance Education' And 'E-Learning': Not The Same Thing. Higher Education. 2005; 49(1): 467-493.
3. Conway M. Teaching Strategies for Distance Education: Implementing the Seven Principles

for Good Practice in Online Education. Annual Science, Engineering & Technology Education Conference: New Mexico State University; 2003.

4. Bates T, Poole G. Effective teaching with technology in higher education. San Francisco: Jossey-Bass; 2008.
5. Tella S, Vries J. The Role of Distance Education Instructor: Attitudes, Skills, and Strategies. Media Education Publication. 2001; 8(1): 291-



- 304.
6. Bajjlay S. Enhancing Student/Faculty Communications in Online Courses. *Online Journal of Distance Learning Administration*. 2005; 8(3):1-11.
 7. Kelsey K. Student Motivation for Learning at a Distance: Does Interaction Matter? *Online Journal of Distance Learning Administration [Internet]*. 2004 [cited 2011 Des 21]; 7(2):42-52. Available from: <http://www.westga.edu/%7Edistance/ojdl/summer72/kelsey72.html>
 8. Wilson R.C, Gaff J.G, Diensky E.R, Wood L, Bavry J.L. *College professors and their impact on students*. New York: Wiley and Sons; 1975.
 9. Orange G. *International Perspectives on Tele-Education and Virtual Learning Environments*. London: Ashgate; 2000.
 10. Berge ZL. *Components of the Online Classroom*. New Directions for Teaching and Learning: Principles of Effective Teaching in the Online Classroom. San Francisco: Jossey-Bass Inc; 2000.
 11. Edge W.D, Loegering J.P. *Distance Education: Expanding Learning Opportunities*. *Wildlife Society Bulletin*. 2000; 28(3):522-533.
 12. Crumpacker N. Faculty Pedagogical Approach, Skill and Motivation in Today's Distance Education Milieu. *Online Journal of Distance Learning Administration [Internet]*. 2001[cited 2011 Des 18]; (6)6:47-57. Available from: <http://www.citeulike.org/user/hmaccorkle/article/7294356>
 13. Ke F, Hoadley C. Evaluating Online Learning Communities. *Educational Technology Research and Development*. 2009; 57(4):487-510.
 14. Slavin R.E. *Educational Psychology: Theory and Practice*. Boston: Pearson Education. 2003
 15. Jochems W.V, Merrienboer J, Koper R. (Eds.), *Integrated E-learning; implications for pedagogy, technology, and organization*. London: RoutledgeFalmer; 2004.
 16. Hannafin M, Hannafin K, Gabbitas B. Re-Examining Cognition during Student-Centered, Web-Based Learning. *Educational Technology Research and Development*. 2009; 57(6):767-785.
 17. Larid p. *Integrated Solutions to E-Learning Implementation: Models, Structures, and Practices at Trinity Western University*. *Online Journal of Distance Learning Administration [Internet]*. 2004 [2011 Des 22]; 7(3): 62-69. Available from: <http://www.westga.edu/~distance/ojdl/fall73/laird73.html>
 18. Hattie J, Timperley H. *The Power of Feedback*. *Review of Educational Research*. 2007; 77(1):81-112.
 19. Chickering A.W, Gamson Z.F. *New Directions for Teaching and Learning: Applying the Seven Principles for Good Practice in Undergraduate Education*. San Francisco: Jossey-Bass; 1991.
 20. Lemley D, Sudweeks R, Howell S, Laws R.D, Sawyer O. The Effects of Immediate and Delayed Feedback on Secondary Distance Learners. *Quarterly Review of Distance Education*. 2007; 8(3):251-260.
 21. Bauer J.F, Anderson R.S. Evaluating students' written performance in the online classroom. In: Weiss R.E, Knowlton D.S, Speck B.W. *New Directions for Teaching and Learning: Principles of Effective Teaching in the Online Classroom*. San Francisco: Jossey-Bass Inc; 2000. p.65-71.
 22. Wiedmer T.L. Digital portfolios: Capturing and demonstrating skills and levels of performance [Internet]. *Phi Delta Kappan*; 1998[Cited 2011 Oct 5]; 586(1):1-5. Available from: <http://filebox.vt.edu/users/mowney/Temp/Module%2016/digital-lesson2.pdf>
 23. Bradley B, Mohring A. Feedback from Students and Instructors. *Teaching German*, 2000; 39(1/2):80-90.
 24. Nelsen Jane. *Positive Time- Out*. Rocklin, CA: Prima Publishing; 1999.
 25. Brinkworth R, McCann B, Matthews C, Nordstrom Karin. *First Year Expectations and*



- Experiences: Student and Teacher Perspectives. Higher Education. 2009; 58(2):157-173.
26. Rosenberg M.J. E-Learning: Strategies for Delivering Knowledge in the Digital Age. New York: Wiley; 2004.
 27. Erik D. Powerful learning environments: unraveling basic components and dimensions. Amsterdam: Pergamon; 2003.
 28. Terrell S. Supporting Different Learning Styles in an Online Learning Environment: Does it Really Matter in the Long Run?. Online Journal of Distance Learning Administration. 2005; 8(2): 21-32.
 29. Ramsden P. Theories of learning and teaching and the practice of excellence in higher education. Higher Education Research and Development. 1993; 12(1):87-97.
 30. Vermunt J. The regulation of constructive learning processes. British Journal of Educational Psychology. 1998; 68(1):149-171.
 31. Gordon C, Debus R. Developing deep learning approaches and personal teaching efficacy within a preservice teacher education context. British Journal of Educational Psychology. 2002; 72(1): 483-511.